

مجلس شورای عالی فرهنگ و معارف  
تأسیس شد و در آن وقت که در آن  
مجلس شورای عالی فرهنگ و معارف  
تأسیس شد و در آن وقت که در آن  
مجلس شورای عالی فرهنگ و معارف  
تأسیس شد و در آن وقت که در آن  
مجلس شورای عالی فرهنگ و معارف  
تأسیس شد و در آن وقت که در آن  
مجلس شورای عالی فرهنگ و معارف  
تأسیس شد و در آن وقت که در آن



# قرارداد نفتی ۱۹۳۳



مجموعه مطالعات تاریخی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## قرارداد نفتی ۱۹۳۳

● دکتر محمد حسن نیا



### چکیده

دولت ایران پس از گذشت بیش از دو دهه از قرارداد داریسی و عدم رضایت دولت و ملت ایران از این قرارداد، پیشنهاد الغای امتیاز داریسی را تقدیم مجلس هشتم شورای ملی کرد و در روز ۱۰ آذر ۱۳۱۱ خورشیدی مجلس نظر دولت را به اتفاق آرا به تصویب رساند و به دنبال آن بود که دولت انگلیس و شرکت نفت انگلیس و ایران به این اقدام دولت و مجلس ایران اعتراض کردند و دولت انگلستان در مقابل اقدام ایران به دادگاه لاهه شکایت برد و مدعی شد که به نمایندگی از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران حق مداخله برای حل این منازعه را دارد. دادگاه نظر داد قرارداد داریسی میان دو دولت به امضا نرسیده و سندی که امضای نمایندگان دو دولت در پای آن است تنها مربوط به تنظیم روابط دولت ایران و شرکت نفت داریسی در خصوص امتیاز است و ربطی به روابط دولتی ندارد. پس از این دادگاه به دو طرف توصیه نمود که از طریق مذاکره این مسئله را حل و فصل نمایند. پس از مباحثات فراوان و وساطت‌های مختلف بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس در ۷ خرداد ۱۳۱۲ خورشیدی برابر با ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ میلادی قراردادی در زمینه همکاری‌های نفتی منعقد گردید که به قرارداد ۱۹۳۳ معروف گشت و این قرارداد که در واقع ادامه قرارداد داریسی بود، در مجلس نهم شورای ملی در مورد مزایا و معایب آن مباحثات مختلفی صورت گرفت که نشان از آگاهی نمایندگان مجلس آن دوره نسبت به مسائل نفتی در سطح بین‌المللی دارد و پژوهش حاضر در پی این است تا با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی به بررسی قرارداد نفتی ۱۹۳۳ با توجه به اسناد و منابع دست اول تاریخی پرداخته و نقش دولت انگلیس را در این ارتباط مورد مذاقه قرار دهد. سؤالی که این نوشتار در پی آن

می‌باشد بررسی نقش دولت انگلیس و دولت ایران در انعقاد این قرارداد است.

### دلایل اهمیت موضوع نفت برای انگلستان و دخالت در این امر

در می ۱۹۰۱م/ ۱۲۸۰ش ویلیام ناکس دارسی تبعه دولت انگلیس، که در استرالیا زندگی می‌کرد، با کمک دولت انگلیس، امتیازی برای اکتشاف نفت در ایران به مدت شصت سال به دست آورد.<sup>۱</sup> در ۱۹۰۸م/ ۱۲۸۸ش، نفت در مسجدسلیمان کشف گردید. و در سال ۱۹۰۹م شرکت نفت ایران و انگلیس تشکیل گردید. سپس در می ۱۹۱۴م/ ۱۲۹۴ ه.ش، دولت انگلیس دو میلیون لیره از سهام شرکت را خرید تا اینکه امنیت عرضه نفت برای ناوگان دریایی خود را تضمین نماید.<sup>۲</sup> در این مدت اختلافات زیادی میان دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس به دلیل ابهام در مفاد قرارداد داری، بروز نمود که مهمترین آنها نارضایتی ایران از عدم تعیین یک معیار مشخص برای کسب حقوق خود و همچنین انتصاب کارگران ایرانی در پست‌های مهم شرکت نفت ایران و انگلیس بود.<sup>۳</sup> اگرچه در سال ۱۹۲۰م/ ۱۳۰۱ ه.ش، توافق‌نامه‌ای برای تعیین معیار تقسیم سود به امضا رسید. اما دولت ایران هنوز از سیاست‌های شرکت نفت انگلیس و ایران رضایت نداشت و این نارضایتی‌ها را در مقاطع مختلف ابراز نمود.<sup>۴</sup> مهمترین آن راجع به محدوده عمل شرکت و توسعه حوزه عملیاتی آن در داخل ایران بود. مهمترین میدان نفتی در مسجدسلیمان قرار داشت و در سال ۱۹۲۸ به دنبال اجرای یک طرح اکتشافی وسیع میدانی جدید در هفتکل کشف شد و بهره‌برداری از این منبع یک میلیون تن بر تولید شرکت افزود و خط لوله‌های نفتی این میدان را به پایانه آبادان متصل نمود.<sup>۵</sup>

۱۲۸

از دیدگاه مقامات انگلیسی سیاست تجدیدنظر ایران در قرارداد داری نه ناشی از کاهش عواید بلکه ناشی از رشد ملی‌گرایی، حس استقلال‌طلبی و پایان دادن به چیزی بود که استثمار غربی نام گرفته بود. حق‌الامتیاز نفت (که نقش مهمی در بودجه سالانه ایران ایفا می‌نمود) همواره در معرض نوسانات و بحران‌های سالانه قرار داشت.<sup>۶</sup> اما عواید دولت انگلستان و کمپانی طی سال‌های پس از بحران نفتی ۱۹۲۹ افزایش یافته بود.

طی سال‌های ۱۹۲۳-۱۹۲۴، ایران چهارصد و یازده هزار فرانک از کل حق‌الامتیاز خود دریافت کرد. در صورتی که حق ایران طبق برآوردها یک میلیون و چهارصد هزار فرانک بود. با این وجود در طی سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۲۷م/ ۱۳۰۵-۱۳۰۶ ه.ش، این میزان بسیار کاهش یافت و به پانصد و دو هزار فرانک رسید. در آغاز دهه سی این روند مشخص‌تر شد. یعنی زمانی که بحران رکود اقتصادی ۱۹۲۹ منجر به کاهش فروش نفت شرکت شد و کمپانی برای خروج از این بحران میزان حق‌السهم ایران را کاهش داد و محدودیت‌هایی برای استحصال نفت ایجاد کرد.<sup>۷</sup>

به علاوه، نمونه تجدیدنظر در کنسرسیون کمپانی نفتی عراق در مارس ۱۹۳۱م/۱۳۱۰هـ ش، نمونه مناسبی برای ایران در پیگیری قضیه خود بود.<sup>۸</sup>

با وجود سه دوره مذاکرات طی سالهای ۱۳۰۹-۱۳۱۱ میان ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران، مسئله همچنان لاینحل باقی ماند. انتشار صورت حسابهای ۱۹۳۱-۱۹۳۲م/۱۳۱۰-۱۳۱۱هـ ش شرکت نیز موجب تشدید منازعه شد.<sup>۹</sup>

شرکت نفت انگلیس و ایران در این مقطع بدون توجه به رشد اندیشه و مطالبات سیاسی در ایران در آغاز قرن بیست، حاضر به پذیرش مطالبات ایران نبود و تنها پذیرفت که مبلغ ۳۰۶/۸۷۲ فرانک به ایران بپردازد. این مبلغ کمتر از ۱۴۳۷۰۰۰ فرانکی بود که انگلیس باید در سال ۱۳۰۹ می پرداخت.<sup>۱۰</sup>

ایران از پذیرش این مبلغ خودداری نمود و شروع به تهیه طرحی برای تجدیدنظر در قرارداد کرد. در همین زمان مذاکراتی برای افزایش حق الامتیاز ایران در جریان بود.<sup>۱۱</sup> ایران در این مقطع خواهان حداقل حق الامتیازی به میزان ۲/۷ میلیون فرانک بود. شرکت نفت انگلیس و ایران این میزان را قبول نداشت و با تغییر در مفاد قرارداد ۱۹۰۱ نیز مخالف بود. کمپانی به خصوص خواهان افزایش مدت زمانی قرارداد بود تا از این طریق سرمایه‌گذاری‌های گسترده خود در ایران را تضمین نماید.

### لغو قرارداد داری و ایجاد زمینه برای قرارداد نفتی دیگر

در مورد لغو قرارداد داری فرضیه‌های متفاوتی وجود دارد. از جمله این که رضاشاه ندانسته و یا دانسته دست به این اقدام زد و تحت تأثیر ترفندهای استعماری انگلیس قرار گرفت. یا این که رضاشاه عمداً و در جهت منافع انگلیس دست به این اقدام زد. در هر صورت لغو قرارداد داری اگرچه در کوتاه مدت می‌توانست تا حدودی افکار عمومی ایران را تحت تأثیر قرار دهد، اما قرارداد جایگزین آن، یعنی قرارداد ۱۹۳۳، برای ایران از قرارداد داری هم زیان‌بارتر بود. در ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲م/۱۳۱۱هـ ش، به طور غیرمنتظره، به مدیر عامل کمپانی انگلیسی - تی. ال. جکس<sup>۱۲</sup> - اطلاع داده شد که قرارداد لغو گردیده و دولت ایران آماده است قرارداد جدیدی که مفاد آن منافع ملی ایران را تضمین نماید با کمپانی انگلیسی به امضا رساند.<sup>۱۳</sup>

دولت و کابینه انگلیس خیلی زود به لغو قرارداد داری واکنش نشان دادند. در ۱۹ اکتبر ۱۹۳۲م/۱۳۱۱، وزارت خارجه انگلستان بدون درنگ با اعلام لزوم ممانعت از قطع روابط با ایران، کشوری که روابط با آن در سطح بسیار بالایی در جریان است، تمایل خود را برای انعقاد معاهده‌ای مسالمت‌آمیز با این کشور اعلام کرد. اینگونه برداشت می‌شد که قطع روابط با ایران

ضربه سختی به موقعیت انگلستان در منطقه استراتژیک خلیج فارس وارد خواهد ساخت<sup>۱۴</sup> و این منازعه ایران را تشویق خواهد نمود که روابط خود را با روسیه تقویت کند که این خود تهدیدی بزرگ برای منافع انگلستان در هند و منطقه خلیج فارس خواهد بود. به علاوه قطع رابطه، منافع انگلستان در ایران را نیز تهدید می‌کند و مهمترین تهدیدات متوجه شرکت نفت انگلیس و ایران است. بنابراین وخامت اوضاع موجب قطع کامل روابط دو طرف و بهره‌برداری روسیه از این وضع خواهد شد. وزارت خارجه انگلیس پیشنهاد کرد که مسئله به دادگاه لاهه کشیده شود. همچنین وزارت خارجه پس از بررسی جوانب امر حل مسئله را تا حدودی آسان می‌دانست و اما پس از اعلام ناتوانی از سوی کادمن<sup>۱۵</sup> مشخص شد که هیأت مدیره او نیازمند دریافت کمک از سوی دولت و مداخله مستقیم آن است.<sup>۱۶</sup> در نتیجه، وزارت خارجه در ۲۹ نوامبر ۱۹۳۲ جلسه‌ای اضطراری را با الیفانت<sup>۱۷</sup> نماینده شرکت نفت انگلیس و ایران برگزار کرد.<sup>۱۸</sup>

در این جلسه مقرر شد که کمپانی طرحی دو مرحله‌ای به اجرا درآورد. در مرحله اول، تلاش کند که مسئله را خود به طریقی مسالمت‌آمیز حل کند. دولت انگلستان در پشت پرده به حمایت از شرکت می‌پردازد؛ اما در صورت لزوم، از نیروی نظامی هم استفاده خواهد شد.<sup>۱۹</sup> از همان ابتدا به دلیل ضعف نیروی نظامی انگلیس و همچنین ضعف اقتصادی این کشور بر حل مسالمت‌آمیز مسئله تأکید می‌شد.

کابینه، بحران شرکت نفت انگلیس و ایران را در ۳۰ نوامبر مورد بحث و بررسی قرار داد، و یک نامه اعتراض‌آمیز رسمی به تهران فرستاد. در این نامه تأکید شده بود که لغو قرارداد امری غیرقانونی و به معنی زیر پا گذاشتن قرارداد ۱۹۰۱ است. اما ایران از تعلیق لغو قرارداد و پذیرش خسارت سر باز زد و لحن ایران موجب وخامت اوضاع شد.<sup>۲۰</sup> دو طرف دست به تبلیغاتی برضد یکدیگر زدند. در میان اعضا وزارت خارجه تمایل برای ورود به یک نیروی سوم به صحنه وجود داشت. دیوان عالی لاهه در این بین بر جامعه ملل ترجیح داده شد.<sup>۲۱</sup>

ایدن<sup>۲۲</sup> معاون وزیر امور خارجه انگلیس اعلام کرد که در صورت به نتیجه نرسیدن تلاش‌های انگلستان سیاست سخت‌گیرتری علیه ایران همراه با ارجاع مسئله به دادگاه لاهه ادامه خواهد یافت. در همین جلسه مقرر شد که نامه‌ای رسمی به تهران فرستاده شود و در آن لزوم تعلیق مسئله لغو قرارداد تا ۱۵ دسامبر مورد تأکید قرار گیرد. کابینه پس از بررسی نمونه مشابه مسئله ایران، یعنی بحران موصل که در ۱۹۲۴ اتفاق افتاده، از گروه قضات سلطنتی خواست تا ببینند که آیا می‌توان مسئله را به یک دادگاه داخلی کشاند یا نه.<sup>۲۳</sup> همچنین کابینه گزارش ارائه شده از سوی کمیته تحقیق را نیز مورد بررسی قرار داد.<sup>۲۴</sup> در این گزارش که به کمک کمپانی تهیه

شده بود هر نوع اقدام نظامی علیه ایران چه از طریق ناوگان دریایی و چه با کمک نیروی زمینی، امری ناممکن و حتی احمقانه توصیف گردیده بود. وضعیت ناوگان دریایی انگلستان در اقیانوس هند و خلیج فارس و همچنین احتمال بروز شورش در هند، به دلیل فراخوانی نیروها به جنوب ایران، یکی از فاکتورهای تعیین کننده در نتایج این تحقیق بود. همچنین کمیته پس از بررسی اوضاع به این نتیجه رسید که تحریم اقتصادی ایران نیز نتیجه ناچیزی خواهد داشت. چرا که ایران در تأمین نیازمندی‌های اولیه خود به خصوص مواد خوراکی همچون قند و چای خودکفا است. کابینه با این وجود از کمیته خواست که بررسی‌های بیشتری در ایران به عمل آورد. افسران قضایی نیز اعلام کردند که ایران با این ادعا که مسئله بین دولت و شرکتی خصوصی است و دادگاه‌های بین‌المللی تنها حق بررسی قراردادهای بین دول یا کنوانسیون‌های بین‌المللی را دارند، ارجاع مسئله به دادگاه لاهه را غیرقانونی می‌داند.<sup>۲۵</sup> با این وجود وزارت خارجه انگلیس خواهان ارجاع به جامعه ملل در ژنو بود.

گزارش کمیسیون تحقیق تأکید داشت که انگلستان نیروی لازم برای فتح مناطق نفتی جنوب ایران را ندارد و جمع‌آوری نیروی لازم برای فتح این مناطق مستلزم فراخوانی نیروهای موجود در هند و مصر، آن هم با صرف چندین ماه وقت و هزینه بسیار است. در صورت بروز این وضع انگلستان ابتدا باید انگلیسی‌های موجود در ایران را به جزیره آبادان<sup>۲۶</sup> منتقل کند. در گام بعدی باید مراکز حساس نظامی ایران در سواحل خلیج فارس و همچنین دفاتر گمرکی این کشور فتح شود. سپس با اعمال تحریم از لنگر انداختن کشتی‌ها در بنادر ایران جلوگیری شود و کشتی‌های نظامی و تجاری ایران نیز از دست این کشور خارج شود. البته این امر همانگونه که گفته شد زمان و هزینه زیادی را به همراه خواهد داشت و با در نظر گرفتن شرایط کنونی انگلستان در مستعمرات هند و مصر مسئله بسیار وخیم‌تر از این گزارش است.<sup>۲۷</sup>

در ۱۲ دسامبر جوابیه ایران به لندن رسید. در آن، اولاً بر عدم صلاحیت مجمع و ثانیاً بر عدم پذیرش خسارت‌های وارده به شرکت از سوی دولت ایران تأکید شده بود.<sup>۲۸</sup> این نامه همراه با گزارش کمیته تحقیق، وزارت خارجه انگلیس را با شوک سیاسی مواجه ساخت. در ۱۳ دسامبر مقامات انگلیسی به این نتیجه رسیدند که تنها راه باقی مانده ممانعت از پیشدستی ایران در شکایت از انگلستان است و انگلستان باید خود را نه یک مدافع بلکه یک شاکی بداند.<sup>۲۹</sup> کابینه لزوم توسل سریع به ماده ۱۵ را مورد تأکید قرار داد. در همین زمان سیمون در ژنو بود. و از او خواسته شد که روند امور را در دست بگیرد.<sup>۳۰</sup> سیمون می‌بایست شورا را وادار به حفظ وضع موجود کند. شورا نیز باید تا هنگامی که زمان مناسب برای رسیدگی به مسئله به دست نیامده بررسی شکایت انگلستان را به تعویق بیندازد. این سیاست از یک سو زمان لازم برای وادار

کردن ایران به پذیرش نظریات کشورهای عضو مجمع در ژنو را فراهم می‌نمود و همچنین به کابینه فرصت می‌داد که گزارش کمیته تحقیق را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار دهد. این در حالی است که اقدام نظامی در خلیج فارس به معنی ناتوانی انگلستان در حل مسأله‌آمییز مسئله خواهد بود و در هر صورت، چه شکست و چه پیروزی، انگلستان اعتبار خود را از دست خواهد داد. همچنین انگلستان به یک نیروی سه‌جانبه برای فتح جنوب ایران نیاز دارد که گردآوری این نیرو ماه‌ها به طول خواهد انجامید.<sup>۳۱</sup>

مقامات لندن نمایندگان حاضر در ژنو را دائماً در جریان امور قرار می‌دادند و بلافاصله پس از برگزاری هر جلسه دستورات جدید سریعاً به ژنو ارسال می‌گردید.<sup>۳۲</sup> در ۱۵ دسامبر جلسه‌ای با حضور نمایندگان کمپانی در کابینه برگزار شد و راجع به مسائل مهمی که باید در ژنو مطرح شود، بحث مفصلی صورت گرفت. سیمون نیز در روز بعد این مطالب را اعلام نمود. او که به تازگی از ژنو بازگشته بود از سوی کابینه مسئولیت داشت که رهبری جریان را برعهده بگیرد. در همین زمان از کمپانی خواسته شد که تا پیش از پذیرش شکایت در ژنو از مذاکره با ایران خودداری کند.

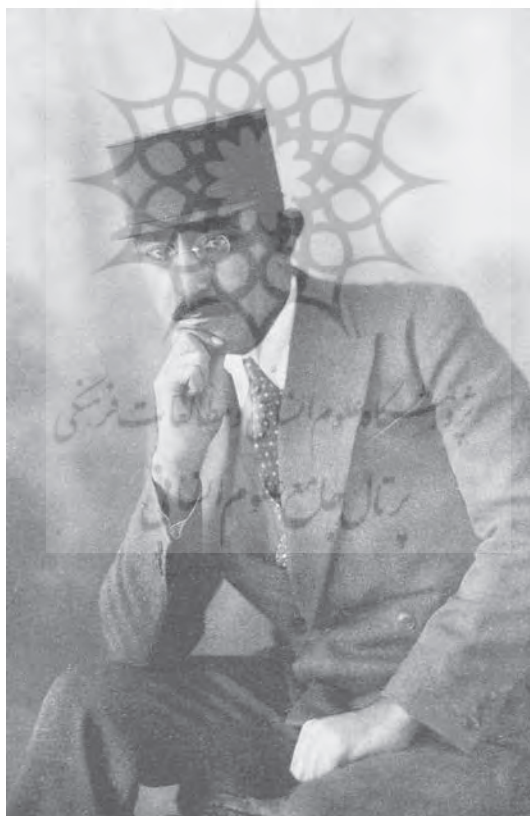
### بررسی اختلافات نفتی شرکت نفت ایران و انگلیس با دولت ایران در دادگاه بین‌المللی

سین لستر<sup>۳۳</sup> که ریاست کمیته اجرایی شورای دادگاه ژنو را برعهده داشت در ۱۸ دسامبر با نمایندگان دو طرف ملاقات نمود و اعلام امیدواری کرد که هر دو طرف اصل حفظ وضع موجود را محترم بشمارند و تا ۳۰ روز بعد هیچ اقدامی صورت نگیرد.<sup>۳۴</sup> بنابراین، اصل شکایت انگلستان مورد پذیرش قرار گرفت.<sup>۳۵</sup> سیمون به دلیل کسالت قادر به حضور در ژنو نبود. بنابراین، مالکین<sup>۳۶</sup> جانشین او شد.<sup>۳۷</sup> نماینده ایران لزوم حفظ وضع موجود را محترم دانست اما اعلام کرد که ایران حاضر به اجرایی شدن ماده ۱۵ در این مسئله نیست.<sup>۳۸</sup>

از دیدگاه مقامات انگلستان از این پس اوضاع آرام می‌شد و نیازی به اقدام نظامی نبود. بنابراین، به دو ناو جنگی اینترپرایس<sup>۳۹</sup> و امرالد<sup>۴۰</sup> که به خلیج فارس فراخوانده شده بودند دستور داده شد که به خلیج بنگال بازگردند.<sup>۴۱</sup> در ژانویه ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ه‌ش، جلسه‌ای دیگر در شورا برگزار شد.<sup>۴۲</sup> در ۱۴ ژانویه بنش<sup>۴۳</sup> از سوی مجمع مسئولیت بررسی قضیه را برعهده گرفت و داور به نمایندگی از ایران و سیمون به نمایندگی از کمپانی در جلسه حاضر شدند.<sup>۴۴</sup> سیمون از تجربیات خود بهره گرفت و ادعاهای ایران را مرحله به مرحله رد نمود.<sup>۴۵</sup> به خصوص ابلاغیه ۱۸ نوامبر داور که ماده ۱۵ را به چالش کشیده بود و لغو قرارداد را حق قانونی ایران می‌دانست. سیمون ادعا کرد که ایران خواهان تحمیل یک طرفه یک قرارداد جدید

به شرکت نفت ایران و انگلیس است و اینکه کمپانی تاکنون ۲۲ میلیون فرانک را برای اکتشاف در ایران هزینه کرده است. در حالی که ایران هیچ کمکی در این زمینه به کمپانی ننموده و مبالغ هنگفتی را از شرکت اخذ کرده است. او ادامه داد که تصویب قرارداد در مجلس به این معنا است که کمپانی حق ندارد مسائل خود را در یک دادگاه ایرانی حل کند و انگلستان با وجود اینکه خواهان حفظ روابط دوستانه خود با ایران است، به اجبار مسئله را به یک نهاد بین‌المللی ارجاع داده است.<sup>۴۶</sup>

علی‌اکبر داور در مقابل ادعاهای او با مهارت تمام پاسخ داد و گفت که کمپانی هرگز تا کنون خواهان رسیدگی قضیه در یک دادگاه ایرانی نبوده و اگر این مسئله مطرح است تهران در این زمینه مانعی نمی‌بیند. طی سخنرانی داور مشخص شد که مسئله اصلی بر سر نقض یا عدم نقض قوانین بین‌المللی است. داور ادامه داد که منازعه بین یک شرکت خصوصی و دولت



علی‌اکبر داور، وزیر دادگستری وقت



ایران است نه یک مسئله بین‌المللی و دولت انگلیس تنها مانع حل زود به هنگام این منازعه شده است.<sup>۴۷</sup> سیمون که در مقابل بیانات داور مدارک قابل ارائه‌ای نداشت سریعاً به لندن بازگشت و دادگاه نیز به منظور دادن زمان به بنش در بررسی مدارک، جلسه را خاتمه داد. داور همچنان بر مواضع خود پافشاری مینمود. مدتی گذشت و گفتگوهای میان دو طرف صورت گرفت. بنش در نهایت به این نتیجه رسید که هر دو طرف خواهان حل مسالمت‌آمیز مسئله‌اند و در ۳ فوریه گزارش داد که طرفین بر روی یک چارچوب مشخص به توافق رسیده‌اند.<sup>۴۸</sup> به دو طرف پیشنهاد شد که مذاکرات خود را از سر بگیرند و همزمان کمپانی با پذیرش لغو قرارداد فعالیت‌های خود را در ایران دنبال کند. ایران همچون کمپانی، مذاکره را، البته به شرط برگزاری آن در تهران، پذیرفت و در عصر روز سوم فوریه اولین دور از مذاکرات به جریان افتاد.<sup>۴۹</sup> اگر چه مقرر شد که دولت انگلیس در مذاکرات دخالتی نداشته باشد، اما وزارت خارجه پیشنهاد اعطای وام به ایران در صورت انعقاد یک قرارداد جدید را داد.<sup>۵۰</sup> البته این نظر از جهات مختلف رد شد. مهمترین آن لزوم جداسازی مسئله کمپانی با دیگر مسائل موجود میان دو کشور بود. همچنین خزانه‌داری انگلستان حاضر به پذیرش این پیشنهاد نبود. ملی‌گرایی شدید در ایران نیز مانع از آزادی عمل شاه می‌شد.<sup>۵۱</sup>

در ۳ آوریل نماینده کمپانی همراه با کادمن به تهران آمد. در جلسه مذاکرات، ایران طرح ۱۶ ماده‌ای خود را برای انعقاد ارائه کرد. طرف مقابل به شدت آن را رد نمود و مذاکرات با شکست مواجه شد.<sup>۵۲</sup> در ۲۲ آوریل کادمن طرح ملاقات با رضاشاه را پیاده نمود. صحبت‌های او در این جلسه و اعلام لزوم ترک تهران باعث شد تا دربار از مواضع خود کوتاه آمده و دو طرف به یک قراردادی که از دیدگاه انگلستان منصفانه بود دست یابند.<sup>۵۳</sup> این قرارداد جدید در ۳۰ آوریل به تصویب مجلس رسید و در ۲۸ می شاه آن را تأیید نمود. انگلستان سعی کرد که مسئله در مجمع نیز مورد تأیید قرار گیرد تا از این طریق راه برای لغو دوباره آن از سوی ایران بسته شود. در قرارداد جدید محدوده فعالیت شرکت به صد هزار مایل مربع کاهش یافت و کمپانی پذیرفت که حجم اکتشافات خود را افزایش دهد. شرایط قرارداد به گونه‌ای بود که ایران را قادر می‌نمود کنسرسیوم‌های نفتی دیگری را با دیگر کمپانی‌ها منعقد سازد. حق‌الامتیاز ایران در این قرارداد چهار شیلینگ برای هر تن نفت بود و کمپانی باید مبلغی معادل ۲۰ درصد سود شرکت را به سهامداران خود بدهد و علاوه بر ۷۶۱/۲۵۰ فرانکی که قانوناً باید پرداخت می‌شد، شرکت می‌بایست ۷۵۰ هزار فرانک را به عنوان مبنایی برای تضمین پرداخت خود به ایران تعیین کند. به علاوه طرحی برای ایرانی‌سازی شرکت از طریق استخدام نیروهای ماهر ایرانی و همچنین نیروهای غیرماهر بومی باید به اجرا گذاشته شود. البته هیچ یک از شروط

فوق ضمانت اجرایی نداشت و طی سال‌های بعد شرایط حتی به وضعیتی بدتر از اوضاع پیش از ۱۹۳۲ رسید و همین عوامل بود که در نهایت منجر به ملی شدن نفت شد.<sup>۵۴</sup>

بنابراین، از دیدگاه انگلستان ایران از این منازعه منافع مهمی را به دست آورد اما در واقع این شرکت نفت ایران و انگلیس بود که دست‌آوردهای خوبی داشت. چرا که نه تنها یک کنسرسیوم جدید را تحصیل نمود، بلکه توانست مدت قرارداد را تا شصت سال دیگر تمدید کند. تمدید معافیت کمپانی از مالیات یکی دیگر از دست‌آوردهای آن بود. همچنین کمپانی معاملات خارجی خود را بدون نظارت ایران انجام می‌داد. کمپانی از این بابت خوشحال بود که به ایران اجازه نداده است که در هیأت مدیره خود یک نماینده رسمی داشته باشد.<sup>۵۵</sup> به علاوه ایران نمی‌توانست به طور یک‌جانبه قرارداد را لغو کند و این کار تنها در صورت اتمام دوره قرارداد یا عدم التزام کمپانی به تعهدات خود امکان‌پذیر بود. تنها یک دادگاه صالح حق رسیدگی به مشکلات دو طرف را داشت.<sup>۵۶</sup> کمپانی و وزارت خارجه این الزامات را عامل تضمین امنیت و تقویت موقعیت خود در ایران می‌دیدند.

در آگوست ۱۹۳۳/م/۱۳۱۲ ه.ش، انگلستان دادگاه را در جریان امور قرار داد و در ۲۱ اکتبر دادگاه خشنودی خود را از حل این منازعه اعلام کرد. هدف انگلستان از گزارش به مجمع تبدیل موضوع کمپانی به یک مسئله بین‌المللی برای تضمین امنیت آن در آینده بود.

در واقع دولت انگلستان علاوه بر حمایت از یک شرکت و تضمین عرضه نفت ارزان و کافی در آینده، با اهداف دیگری وارد این منازعه شد که مهمترین آن به قرار ذیل بود:

۱. حفاظت از منافع این کشور در جنوب ایران به معنی حفظ موقعیت سنتی آن در خلیج فارس بود. بنابراین، آنگونه که مقامات انگلیسی خود اعلام می‌کنند مداخله در مسئله کمپانی نه به خاطر لزوم تأمین نفت انگلستان بلکه نمونه‌ای از تلاش این کشور برای مقابله با خطراتی بود که متوجه هند بود.

۲. انگلستان در همین زمان با کشورهای دیگر قرارداد نفتی داشت و بنابراین، حل مسالمت‌آمیز و سریع این مسئله راه را برای بروز مسائلی مشابه در کشورهای دیگری که با انگلستان کنسرسیوم نفتی داشتند می‌بست.

۳. طی دهه‌های پس از جنگ اول جهانی اینگونه شهرت یافته بود که انگلستان به دنبال ایجاد یک امپریالیسم نفتی است. این تبلیغات هم از داخل و هم از خارج انگلیس، دولت را با حملات مخالفان مواجه ساخت. دولت انگلیس با مداخله در این ماجرا و همزمان ارجاع آن به یک نهاد بین‌المللی حسن نیت خود را نسبت به مسائل نفتی خود با دیگر کشورهای طرف قرارداد نشان می‌داد. و به علاوه می‌توانست از حجم انتقادات داخلی بکاهد.<sup>۵۷</sup>

ارجاع این منازعه بر سر مسئله کاهش میزان حق الامتیاز بروز نمود و روحیه استعمارستیزی مردم ایران آن را تقویت کرد. بنابراین، انگلستان خود را ملزم به مقابله با این گونه حرکت‌ها دانست. چرا که احتمال تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر هند، عراق، مصر و غیره وجود داشت. اگر چه تا پیش از این دولت انگلیس با کمپانی ارتباطی نزدیک داشت اما با بروز این بحران روابط تقویت شد. با این وجود هیچ مدرکی در دست نیست که نشان دهد وجود سهام دولت انگلیس در کمپانی عامل مداخله دولت در منازعه بوده باشد. مقامات انگلیسی خود این مسئله را تأیید می‌کنند.<sup>۵۸</sup> برخی این مداخله را ناشی از درخواست‌های مکرر کمپانی می‌دانند که این یک اشتباه بزرگ است.

به عقیده برخی نمی‌توان برنده واقعی این منازعه را تعیین نمود. از دیدگاه نویسندگان انگلیسی این منازعه نمونه جالبی از روابط میان یک کمپانی با یک دولت است که تنها در مورد کمپانی‌های نفتی احتمال بروز آن وجود دارد. با وجود اینکه هر دو طرف نسبت به انعقاد این قرارداد راضی بودند اما این قرارداد مشکلات دو طرف را به طور ریشه‌ای حل نکرد. با رشد استعمارستیزی در ایران مشکلات شرکت نفت ایران و انگلیس با ایران افزایش یافت و در واقع از دیدگاه مقامات انگلیسی مهمترین مانع پیش روی شرکت نفت ایران و انگلیس همین روحیه استعمارستیزی بود که به دنبال راهی برای خروج از سلطه استعمارگران بود. در این صورت، اقدام نظامی بر علیه ایران تنها به وخامت اوضاع منجر می‌شد. با این وجود انگلستان قادر به کارگیری نیروی نظامی نبود. اما در مقابل خواسته‌های ایران نیز سر تسلیم فرود نیاورد. انگلستان با توجه به ضعف سیاسی و نظامی خود پس از جنگ اول جهانی همواره سعی داشت که سیاست قبل از ۱۹۱۴ خود را تغییر دهد و بنابراین، به گفته سیمون «انگلیس مجبور است که خود را عضو وفادار مجمع نشان دهد».<sup>۵۹</sup>

### نتیجه‌گیری

قرارداد نفتی ۱۹۳۳ به دنبال لغو قرارداد داریسی از سوی ایران در سال ۱۳۱۲ و شکایت انگلیس به حمایت از شرکت نفت ایران و انگلیس، که دولت انگلیس بزرگترین سهامدار آن بود، منعقد گردید. اما مهمترین نکته‌ای که در این جا وجود دارد، این است که برای اولین بار دولت انگلیس در پاسخ به اقدامات ایران از نیروی نظامی استفاده نکرد بلکه مسئله را به جامعه ملل کشانید و برخی بر این نظرند که دولت انگلیس در این زمان به خاطر مشکلات و رقابت با دیگر کشورهای اروپایی در شرایطی نبوده است که بتواند به ایران حمله کند. اما دیدگاهی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد دولت انگلیس با توجه به فعالیت‌های نفتی در دیگر کشورها،

با این دیپلماسی خود می‌خواست نشان دهد که انگلستان در مواجهه با اختلافات نفتی با سایر کشورهای از نیروی نظامی استفاده نکرده و برای حل این مشکلات از راه دیپلماسی و ارجاع این موضوعات به جامعه ملل استفاده می‌کند. در هر صورت لغو قرارداد داری و انعقاد قرارداد نفتی ۱۹۳۳ در جامعه ایرانی با واکنش‌های متفاوتی همراه بوده است اما مسئله عمده که همواره در این بین به چشم می‌خورد نقش بسیار پررنگ دولت انگلیس در ارتباط با این قضیه است. با وجود این که در عمل، قرارداد ۱۹۳۳ و مسائلی که منجر به انعقاد این قرارداد شد هیچ ارتباطی با دولت انگلیس نداشته است و فقط یک مسئله بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس بوده است، ولی دولت انگلیس تمامی کار شرکت نفت ایران و انگلیس را در دادگاه بین‌المللی و غیره را پی‌گیری می‌کرده است و در بسیاری از موارد کار دخالت در امر را به جایی می‌رسانده است که همگان تصور می‌کردند که قرارداد داری و قرارداد ۱۹۳۳ یک قرارداد بین دولت ایران و دولت انگلستان می‌باشد. البته این موضوع بر کسی پوشیده نیست که دولت انگلیس در پشت پرده تمامی سیاست‌های نفتی ایران از زمان انعقاد قرارداد داری تا انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ بوده است، اما در این زمان دخالت خود را دوچندان کرده و فعال‌م‌ای‌ش‌اء تاریخ نفت ایران شده بود. در مجموع نقاط ضعف قرارداد ۱۹۳۳ که در پایان این نوشتار نیز اصل آن آمده است، بر نقاط قوتش می‌چربد و نشان می‌دهد که در آن زمان که در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان قراردادهایی با درصد سود بیشتر به نفع کشور نفت‌خیز منعقد می‌شد، در ایران قراردادی با این همه نقطه ضعف برای مدت طولانی بسته می‌شود که نشان از عدم بی‌اطلاعی پهلوی اول و دولتمردان ایرانی از مقوله نفت دارد که این گونه تحت تأثیر سیاست‌های استعماری انگلستان قرار می‌گیرند و تسلط انگلستان بر منابع نفتی ایران را کامل می‌کنند.

### متن قرارداد ۱۹۳۳

برای پی‌بردن به محتویات قرارداد نفتی ۱۹۳۳ که بین ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس امضاء شد و این که به مزایا و معایب قرارداد پرداخته شود، اصل قرارداد ۱۹۳۳ در ذیل آورده می‌شود.

### مقدمه

به قصد برقرار کردن امتیاز جدیدی به جای امتیازی که در تاریخ ۱۹۰۱ به ویلیام ناکس داریسی داده شده بود این امتیاز را دولت ایران اعطا و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود آن را قبول می‌نماید.

روابط طرفین مذکور در فوق، در آتیه بر طبق این قرارداد خواهد بود.

### تعريفات

بعضی اصطلاحات مستعمله در این قرارداد قطع نظر از هر معنی دیگری که ممکن است در حال یا در آتیه در موارد دیگر داشته باشد در این قرارداد مطابق تعاریفات ذیل معنی خواهد شد.

### دولت

یعنی دولت شاهنشاهی ایران.

### کمپانی

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و تمام شرکتهای تابعه آن.

### شرکت نفت انگلیس و ایران محدود

یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران محدود یا هر شخص حقوقی دیگری که با تصویب دولت ایران مطابق ماده ۲۶، این امتیاز بدو منتقل شود.

۱۳۸

### شرکت تابعه

یعنی هر شرکتی که در آن کمپانی حق تعیین بیش از نصف مدیران مستقیماً یا غیرمستقیم داشته باشد و یا آنکه کمپانی در آن شرکت بطور مستقیم و یا غیرمستقیم مالک یک مقداری سهام باشد که بیش از پنجاه درصد حق رأی در مجمع عمومی شرکت مزبور را برای کمپانی تضمین نماید.

### نفت

یعنی روغن نفت خام و گازهای طبیعی و قیرها (اسفالتها) و مومهای طبیعی و تمام مشتقات دیگری که یا از مواد مذکور حاصل می‌شود و یا به وسیله اختلاط و امتزاج این مواد به مواد دیگری به دست می‌آید.

### عملیات کمپانی در ایران

یعنی تمام عملیات صنعتی و تجاری و فنی که کمپانی منحصراً برای اجرای این امتیاز انجام می‌دهد.

### ماده اول

دولت بر طبق مقررات این امتیاز حق مانع للغير تفحص و استخراج نفت را در حدود حوزه امتیاز به کمپانی اعطا می کند و همچنین حق انحصاری تصفیه و هر نوع عملی را در نفتی که خود تحصیل کرده و تهیه آن برای تجارت خواهد داشت و همچنین دولت در تمام وسعت خاک ایران به کمپانی حق غیر انحصاری حمل و نقل نفت و تصفیه و هر نوع عملی در آن و تهیه آن برای تجارت و همچنین فروش آن در ایران و صادر کردن آن را اعطا می نماید.

### ماده دوم

الف- حدود حوزه امتیاز تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ عبارت خواهد بود از حوزه ای که واقع است در جنوب خط بنفشی که در روی نقشه ای که طرفین امضا کرده و منضم به قرارداد است رسم شده است.

ب- کمپانی باید منتهی تا ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ در حوزه مذکور در فوق، یک یا چندین قطعه زمین را به هر شکل و وسعتی و در هر نقطه که مقتضی می داند انتخاب نماید.

مجموع سطح یک یا چند قطعه که انتخاب شده باشد نباید از یکصد هزار میل مربع انگلیسی (۱۰۰۰۰۰ میل مربع) تجاوز نماید، هر میل ساده مطابق است با یک هزار و ششصد و نه متر.

کمپانی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ یا قبل از آن یک قطعه یا قطعاتی را که به طریق فوق انتخاب کرده کتباً به دولت اطلاع خواهد داد. به هر اطلاع نامه نقشه ها و اطلاعات لازمه برای تشخیص و تحدید قطعه و یا قطعات منتخبه از طرف کمپانی ضمیمه خواهد شد.

ج- بعد از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۸ کمپانی دیگر حق تفحص و استخراج نفت را جز در قطعه یا قطعاتی که مطابق (paragraphe) (ب) فوق انتخاب کرده است نخواهد داشت و حوزه امتیاز بعد از این تاریخ عبارت خواهد بود از قطعه یا قطعاتی که بدین طریق انتخاب گردیده و از انتخاب آنها نیز به ترتیب مذکور در فوق به دولت اطلاع داده شده باشد.

### ماده سوم

کمپانی حق غیر انحصاری ساختن و داشتن لوله های حمل نفت را خواهد داشت. کمپانی در تعیین محل سیر لوله های نفت خود و به کار انداختن آنها مختار است.

### ماده چهارم

الف- هر زمین بایر متعلق به دولت که کمپانی برای عملیات خود در ایران لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً به کمپانی واگذار خواهد شد، طریقه تحصیل اراضی مذکور به ترتیب ذیل خواهد بود:

هر وقت قطعه‌ای از اراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع می‌شود باید کمپانی یک یا چندین نقشه‌ای که در روی آن، زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده باشد به وزارت مالیه ارسال بدارد.

دولت در صورتی که اعتراضی نداشته باشد متعهد می‌شود که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد.

ب- اراضی دایره متعلق به دولت را که کمپانی احتیاج پیدا می‌کند به طریقی که در جزء قبل مذکور است از دولت تقاضا خواهد کرد و دولت در ظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دایره به فروش آن اراضی اشعار خواهد داشت در صورتی که دولت اعتراضی و احتیاجی به اراضی مزبوره نداشته باشد.

قیمت این اراضی را کمپانی تأدیه خواهد کرد؛ قیمت مزبور باید عادلانه باشد و از قیمت متعارفی اراضی که از همان نوع بوده و همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید.

ج- در صورتی که دولت در مقابل تقاضاهای پیش‌بینی شده در جزوه های alinca (الف و ب) مذکور در فوق جوابی ندهد پس از انقضای دو ماه از تاریخ وصول تقاضاهای مزبور، کمپانی تذکرنامه جدیدی به دولت خواهد فرستاد چنانچه به تذکرنامه مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت به منزله تصویب تلقی خواهد گردید.

د- اراضی را که متعلق به دولت نیست و برای کمپانی لازم باشد با توافق با صاحبان اراضی مزبور و با توسط دولت، کمپانی تحصیل خواهد کرد و در صورت عدم حصول موافقت در قیمت، دولت به صاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهد داد که بیش از نرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطالبه نمایند. برای تقویم اراضی مذکور منظوری که کمپانی از مصرف آنها دارد مأخذ قرار داده نمی‌شود.

ه- اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی و محلهایی که جنبه تاریخی دارند و همچنین توابع آنها تا دویست متر مسافت از مقررات مذکوره مستثنی هستند.

و- کمپانی حق غیرانحصاری خواهد داشت که فقط در حوزه امتیازی نه در جای دیگر و از هر زمین بایر متعلق به دولت برای مصرف عملیات خود از هر نوع خاک و شن و آهک و سنگ

گچ و سنگ و مصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید.  
مسلم است که اگر استفاده از مواد مذکور موجب ضرر شخص ثالثی باشد باید کمپانی جبران خسارت ذوی الحقوق را بنماید.

#### ماده پنجم

عملیات کمپانی در ایران به طریق ذیل محدود می شود:

۱- ساختمان هر خط آهن و هر بندر جدیدی موقوف به حصول موافقت قبلی بین دولت و کمپانی خواهد بود.

۲- اگر کمپانی توسعه ارتباط تلفونی و تلگرافی و تلگراف بی سیم و هواپیمایی فعلی خود را در نظر داشته باشد قبل از تحصیل اجازه دولت در این خصوص اقدامی نمی تواند بکند. اگر دولت برای دفاع ملی یا در موقع پیشامدهای فوق العاده دیگری احتیاج به وسائط نقلیه و وسائل ارتباطیه کمپانی پیدا کند تعهد می نماید حتی الامکان کمتر موجب تضییق عملیات کمپانی بشود و نیز خساراتی را که از این حیث متوجه کمپانی می گردد به طور حقانیت جبران نماید.

۱۴۱

#### ماده ششم

الف- کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که منحصرأً برای مصرف اعضا و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی و مالیاتهای معموله حین ورود را بپردازد. کمپانی تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده باشخصی غیر مستخدمین خودش فروخته و یا واگذار نگردد.

ب- کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوصی حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی و جراحی و ادویه ای را که برای مریضخانه ها و مطب های خود در ایران لازم دارد وارد نماید و اشیا و اجناس مذکوره در موقع ورود از تأدیه حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض به دولت و ادارات محلی معاف خواهند بود.

ج- بدون تحصیل هیچ گونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض به دولت و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصرأً برای عملیات خود در ایران لازم دارد وارد نماید.

د- صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی و هر نوع مالیات و عوارض به دولت و ادارات محلی معاف خواهد بود.



### ماده هفتم

الف- کمپانی و مستخدمینش از حمایت قانونی دولت بهره‌مند خواهند بود.  
ب- دولت در حدود قوانین و مقررات مملکتی همه نوع تسهیلات ممکنه را برای عملیات کمپانی مبذول خواهد داشت.  
ج- هرگاه دولت در حوزه امتیازیه به اشخاص دیگری امتیازاتی برای به کار انداختن سایر معادن اعطا کند باید وادار نماید که احتیاطات لازمه را به عمل آورند که عملیات آنها به مؤسسات و عملیات کمپانی خسارتی وارد نسازد.  
د- کمپانی مکلف است منطقه‌ای را که برای ساختن خانه و دکاکین و سایر بناهای دیگر خطرناک است تعیین کند تا دولت بتواند اهالی را مسبوق و از سکونت در آن محل منع نماید.

### ماده هشتم

کمپانی ملزم نخواهد شد که هیچ قسمتی از وجوه خود و مخصوصاً عواید حاصله از فروش صادرات خود را به پول ایرانی تبدیل نماید.

### ماده نهم

کمپانی فوراً تدارکات خود را خواهد دید که به وسیله یک کمپانی فرعی، استخراج نفت ایالت کرمانشاه را شروع و در محل تصفیه نماید.

### ماده دهم

I. مبالغی که بر حسب این قرارداد از طرف کمپانی باید به دولت تأدیه شود (علاوه بر مبالغی که در موارد دیگر پیش‌بینی شده) به شرح ذیل تعیین می‌گردد:  
الف- حق‌الامتیاز سالیانه که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع می‌شود به مبلغ چهار شیلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش برسد و یا از ایران صادر شود.  
ب- پرداخت مبلغی معادل با بیست درصد آنچه اضافه بر ۶۷۱،۲۵۰ لیره سهام عادی کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود توزیع می‌گردد خواه این توزیع سهم منافع (dividende) یکی از سنوات بوده یا از وجوه ذخیره که اضافه بر ذخائری که در ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ به موجب دفاتر خود موجود داشته، باشد.

ج- مجموع مبالغی که برای هر سال مسیحی بر حسب جزءهای (الف) و (ب) از طرف کمپانی به دولت ایران تأدیه می‌شود نباید هرگز از هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ (۷۵۰،۰۰۰ لیره

استرلینگ) کمتر باشد.

II. تأدیه وجوه مذکور در این ماده از طرف کمپانی به طریق ذیل به عمل خواهد آمد:

الف- ۳۱ مارس و ۳۰ ژوئن و ۳۰ سپتامبر و ۳۱ دسامبر هر سال هر دفعه مبلغ یکصد و هشتاد و هفت هزار و پانصد لیره استرلینگ (تأدیه مربوط به ۳۱ مارس ۱۹۳۳ فوراً پس از تصویب این قرارداد به عمل خواهد آمد)

ب- در تاریخ بیست و هشتم فوریه ۱۹۳۴ و منبعت در همین تاریخ در هر سال حق الامتیاز مربوط به سال قبل بابت هر تن نفت بر حسب جزء (I الف) پس از وضع مبلغ هفتصد و پنجاه هزار لیره استرلینگ که مطابق جزء (II الف) قبلاً تأدیه گردیده است.

ج- مبالغ لازم التأدیه به دولت بر حسب جزء (I ب) این ماده در موقع تقسیم منافع به سهام عادی پرداخته خواهد شد.

III. در موقع انقضای این امتیاز و همچنین در صورت ترک آن از طرف کمپانی مطابق ماده ۲۵ کمپانی مبلغی مساوی بیست درصد (۲۰٪) از بابت‌های ذیل را به دولت ایران تأدیه خواهد کرد. الف- از تفاضل بین مبالغ کل ذخائری (general reserve) که کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضا و یا ترک امتیاز موجود خواهد داشت و مبالغ ذخائری که کمپانی مذکور در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ موجود داشته است.

ب- از تفاضل بین مبالغ موجودی که از طرف کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود در تاریخ انقضا و یا ترک امتیاز به حساب منقول می‌شود و موجودی‌هایی که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ از طرف کمپانی مزبور به حساب منقول گردیده است.

پرداخت وجوه لازم التأدیه به دولت بر حسب این جزو یک ماه از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که پس از انقضا یا ترک امتیاز تشکیل می‌شود انجام خواهد گرفت.

IV- دولت حق خواهد داشت که محاسبات مربوط به جزو (I الف) را که منتهی تا ۲۸ فوریه هر سال بابت سال گذشته فرستاده می‌شود تفتیش و رسیدگی نماید.

V- برای جلوگیری از امکان توجه ضرر به دولت در موقع ترقی و تنزل قیمت پول انگلیس طرفین به شرح ذیل توافق حاصل نمودند:

الف- هرگاه موقعی قیمت طلا در لندن از شش لیره استرلینگ (۶ لیره استرلینگ) در مقابل یک اونس تروی (ounce troy) تجاوز نماید برای هر پنی (penny) که علاوه بر شش لیره استرلینگ در مقابل یک اونس تروی (ounce troy) در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التأدیه به دولت از طرف کمپانی به موجب این قرارداد (به استثنای مبالغی که بر حسب جزوهای (I ب) و (III الف و ب) این ماده و جزو (I الف) از ماده ۲۳ باید به دولت برسد)

به میزان یک، هزار و چهارصد و چهلم ۱/۱۴۴۰ مبالغ مزبوره افزوده خواهد گردید.

ب- هرگاه موقعی دولت تصور کرد به اینکه دیگر طلا مبنای عمومی قیمت‌ها و معاملات نیست و طریق تأدیه‌های مذکور در فوق تضمینی را که منظور طرفین است برای دولت فراهم نمی‌نماید، طرفین موافقت می‌نمایند که وضعیت تضمین مزبور را تغییر دهند و در صورت عدم حصول موافقت قضیه مطابق ماده ۲۲ به حکمیت ارجاع خواهد شد و شرائطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهند نمود.

VI- هرگاه در پرداخت مبالغ لازم‌التأدیه به دولت مطابق تاریخ‌های مقرر در این قرارداد اتفاقاً از ناحیه کمپانی تأخیر به عمل آید برای مدت تأخیر از قرار پنج درصد (۵٪) در سال فرع و جوه مزبوره را کمپانی خواهد پرداخت.

### ماده یازدهم

I- کمپانی برای مدت سی سال اول عملیات خود در ایران از پرداخت هرگونه مالیاتی که به نفع دولت و ادارات محلی فعلاً برقرار و یا در آتیه وضع می‌شود معاف خواهد بود و در عوض مبالغ ذیل را به دولت تأدیه خواهد نمود:

۱۴۴

الف- در مدت پانزده سال اول این قرارداد به تاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در ۲۸ فوریه ۱۹۳۴ نه پنس بابت هر تن از شش میلیون تن (۶,۰۰۰,۰۰۰ تن) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق‌الامتیاز مذکور در جزو I الف) از ماده ۱۰ می‌گردد و شش پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود.

ب- کمپانی تأمین می‌کند مبالغی را که بر طبق جزوهای فوق‌الذکر تأدیه می‌نماید هیچ وقت از مبلغ دویست و بیست و پنج هزار لیره استرلینگ (۲۲۵,۰۰۰ لیره استرلینگ) کمتر نباشد.

ج- در مدت پانزده سال بعد یک شیلینگ بابت هر تن از شش میلیون تن (۶,۰۰۰,۰۰۰ تن) نفتی که بابت سنه گذشته مسیحی مشمول حق‌الامتیاز مذکور در جزو I الف) از ماده ۱۰ می‌گردد و نه پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود.

د- کمپانی تضمین می‌کند مبالغی را که بر طبق جزو (ج) ما قبل تأدیه می‌نماید هیچ وقت از سیصد هزار لیره استرلینگ (۳۰۰,۰۰۰ لیره استرلینگ) کمتر نباشد.

II - قبل از سنه ۱۹۶۳ راجع به میزان مبالغی که کمپانی در ازای معافیت کامل عملیات خود در ایران از پرداخت هرگونه مالیاتی به نفع دولت و یا ادارات محلی در مدت سی سال دوم که منتهی به سنه ۱۹۹۳ می‌شود باید بپردازد طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود.

### ماده دوازدهم

الف- کمپانی راجع به عملیاتی که مطابق این قرارداد در ایران می‌نماید جمیع وسایل معمول و مناسب را برای تأمین صرفه‌جویی و استفاده کامل از عملیات خود و برای حفظ مخازن تحت‌الارضی نفت و برای استفاده از امتیاز خود به طرزى که مطابق آخرین ترقیات علمی وقت باشد به کار خواهد برد.

ب- هر گاه در حوزه امتیاز غیر از نفت سایر مواد معدنی و بیشه‌ها و جنگلهای متعلق به دولت موجود باشد کمپانی نمی‌تواند آنها را به کار انداخته و استفاده نماید و یا مانع عملیات و استفاده دیگران بشود (مشروط بر این که مقررات جزو (ج) از ماده ۷ رعایت شود)

ولی در صورتی که مواد معدنی بیشه و جنگل‌های مذکور برای تجسس و استخراج نفت لازم باشد کمپانی حق استفاده از آنها را خواهد داشت.

ج- کلیه حفریاتی که منجر به کشف نفت نگشته و آب و یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا می‌شود باید برای دولت حفظ شود و فوراً کمپانی دولت را از کشفیات مزبور مطلع سازد و دولت هر چه زودتر ممکن باشد به کمپانی تمایل خود را نسبت به تصرف حفریات مزبور اعلام خواهد داشت و در صورت تصرف آنها دولت مراقبت خواهد کرد که مانع عملیات کمپانی نشود.

۱۴۵

### ماده سیزدهم

کمپانی تعهد می‌نماید که به خرج خود و در یک مدت مناسبی هر موقعی که نماینده دولت تقاضا می‌کند سوادهای صحیح از تمام طرح‌ها و نقشه‌ها و رسم‌ها و سایر مدارک و اسناد راجع به وضعیت سطح‌الارضی و طبقات‌الارضی و حفر چاهها مربوط به حوزه امتیازیه که موجود دارد به وزارت مالیه بدهد.

به علاوه در تمام مدت امتیاز کمپانی تمام اطلاعات مهم علمی و فنی را که از نتیجه عملیات خود در ایران به دست آورده به دولت ارسال خواهد داشت.

تمام اسناد و مدارک مزبوره را دولت به عنوان محرمانه تلقی خواهد نمود.

### ماده چهاردهم

الف- دولت به میل خود در هر موقع مناسبی حق خواهد داشت امر به تفتیش عملیات فنی کمپانی در ایران نموده و برای اجرای این مقصود از اهل خبره و متخصصین فنی مأمورینی بگمارد.

ب- کمپانی تمام مدارک و اسناد مربوط به اطلاعات علمی و فنی و تمام مؤسسات و وسائل و آلات اندازه گرفتن استخراج نفت را در دست مأمورین خبره و متخصصین دولت خواهد گذارد و علاوه مأمورین مزبور در تمام ادارات کمپانی و در تمام خاک ایران حق تحصیل هر گونه اطلاعاتی را خواهند داشت.

### ماده پانزدهم

دولت حق تعیین یک نفر نماینده را خواهد داشت و نماینده مزبور، (مأمور دولت شاهنشاهی) نامیده شده و اختیارات ذیل را خواهد داشت:

- ۱- اطلاعاتی را که در حدود حق صاحبان سهام کمپانی است از کمپانی تحصیل نماید.
  - ۲- در تمام جلسات هیأت مدیره و کمیته‌های آن و در تمام جلسات مجمع عمومی که برای مذاکره در مسائل راجع به روابط دولت و کمپانی تشکیل شده باشد حضور به هم رساند.
  - ۳- کمیته‌ای را که کمپانی به قصد توزیع اعتبار مذکور در ماده ۱۶ و برای نظارت در تحصیل ایرانیان در لندن تشکیل می‌دهد به عنوان رسمی و با حق رأی قاطع ریاست نماید.
  - ۴- تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیأت مدیره هر وقت که لازم بداند برای مذاکره در مسائلی که دولت پیشنهاد می‌نماید تشکیل گردد، جلسات مزبوره در مدت پانزده روز بعد از وصول تقاضای کتبی به منشی کمپانی تشکیل خواهد شد.
- کمپانی بابت حقوق و سایر مخارج نماینده مزبور سالیانه دو هزار لیره استرلینگ به دولت خواهد پرداخت.

۱۴۶

دولت کتباً کمپانی را از تعیین نماینده مزبور و یا جانشین او مطلع خواهد ساخت.

### ماده شانزدهم

I- طرفین تصدیق دارند و قبول می‌نمایند که اصلی که مدارا اجرای این قرارداد می‌باشد آن است که در منافع طرفین حفظ حد اعلای منتج بودن و صرفه‌جویی در اداره و عملیات کمپانی در ایران ضرورت عالی دارد.

II- مسلم است که کمپانی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجاری خود را به اندازه‌ای که اشخاص ذی‌صلاحیت و با تجربه در ایران یافت شود از اتباع ایران انتخاب خواهد کرد و آن نیز مسلم است که مستخدمین غیر فنی کمپانی منحصراً از اتباع ایران خواهند بود.

III- طرفین موافقت می‌نمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمین غیرایرانی را تقلیل داده و به جای آنها به طور تصاعدی در کوتاهترین

مدت ممکن از اتباع ایرانی بگمارند.

IV - کمپانی سالیانه مبلغ ده هزار لیره استرلینگ برای اینکه اتباع ایران در انگلستان علوم و فنون مربوط به صنعت نفت را فرا گیرند تخصیص خواهد داد. اعتبار مذکور به وسیله یک کمیته که مطابقت ماده ۱۵ تشکیل می شود به مصرف خواهد رسید.

#### ماده هفدهم

کمپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و تفتیش و اداره و وسائل صحی و صحت عمومی را مطابق جدیدترین طریقه حفظ الصحه معموله در ایران در تمام اراضی و ابنیه و مساکن اعضا و عملیات خود که در حوزه امتیازیه کار می کنند به عهده می گیرد.

#### ماده هجدهم

هر وقت کمپانی سهام جدیدی برای عامه اشاعه می دهد باید دفاتر ثبت تقاضای اشتراک آن را در همان موقع که در سایر نقاط شروع می شود در تهران نیز برقرار نماید.

#### ماده نوزدهم

کمپانی برای احتیاجات داخلی ایران و از آن جمله احتیاجات دولت، بنزین (motor spirit) و نفت لامپ (kerosene) و مازوت (fuel oil) که از نفت ایران حاصل می شود بر اساس ذیل خواهد فروخت:

الف- در اول ژوئن هر سال کمپانی معدل قیمت های (فوب) رومانی را راجع به بنزین و نفت لامپ و مازوت و معدل قیمت های (فوب) خلیج مکزیک را راجع به هر یک از مواد مذکوره نسبت به مدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ ۳۰ آوریل معین خواهد کرد. نازلترین معدل های مذکور اختیار و «اساس قیمت ها» برای سالی که از اول ژوئن شروع می گردد قرار داده می شود.

قیمت های اساسی به منزله قیمت در تصفیه خانه تلقی می گردد.

ب- کمپانی، بنزین و نفت لامپ و مازوت را به ترتیب ذیل خواهد فروخت:

۱- به دولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش به دیگران مطابق «قیمت های اساسی» مذکور در جزو (الف) فوق با تخفیف بیست و پنج درصد (۲۵٪)

۲- به سایر مصرف کنندگان مطابق همان (قیمت های اساسی) و با تخفیف ده درصد (۱۰٪)

ج- کمپانی حق دارد که به قیمت های اساسی مذکور در جزء (الف) مخارج حقیقی حمل و نقل

و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بیفزاید. د- دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کمپانی فروخته است قدغن خواهد کرد.

### ماده بیستم

I. الف- در مدت ده سال آخر امتیاز و یا در فاصله دو سال پس از اطلاع قبلی که راجع به ترک امتیاز مطابق ماده ۲۵ داده می‌شود کمپانی جز به شرکتهای تابع خود حق فروش یا انتقال یک یا چندین قسمت از اموال غیرمنقول خود را که در ایران موجود است ندارد. در مدت‌های مذکور نیز کمپانی حق انتقال و خارج کردن هیچ قسمتی از اموال منقول خود را ندارد، مگر آنکه اشیای مزبوره از حیز انتفاع افتاده باشد.

ب- در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتیاز هیچ قطعه از اراضی را که کمپانی مجاناً از دولت تحصیل کرده است نمی‌تواند انتقال دهد و همچنین هیچیک از اموال منقول خود را نیز به استثنای آنچه غیر مفید و یا اینکه دیگر مورد احتیاج عملیات کمپانی در ایران نیست نمی‌تواند خارج نماید.

II. در موقع ختم امتیاز، خواه این ختم به واسطه انقضای عادی مدت و یا به هر نحو دیگری پیشامد کرده باشد تمام دارایی کمپانی در ایران به طور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق به دولت ایران می‌گردد.

III. جمله (تمام دارایی)، مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کارخانه‌ها و ساختمان‌ها و چاه‌ها و سدهای دریایی و راه‌ها و لوله‌های حمل نفت و پلها و رشته‌نقب‌های فاضلاب و وسایل توزیع آب و ماشینها و مؤسسات و تجهیزات (از آن جمله آلات و ادوات از هر قبیل) و تمام وسائط نقلیه (مثلاً از قبیل اتومبیل و گاری و آئروپلان) و تمام اجناس انبار شده و سایر اشیایی که کمپانی در ایران برای اجرای این امتیاز از آن استفاده می‌نماید.

### ماده بیست و یکم

طرفین متعاهدین اعلام می‌دارند که اجرای این قرارداد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول و متناسب این قرارداد باشد.

کمپانی صریحاً تعهد می‌نماید که در هر وقت و در هر موقع، حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عملی و یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید.

این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آتیه به وسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچیک از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرائیه قابل تغییر نخواهد بود.

#### ماده بیست و دوم

الف- هر قبیل از اختلافات حاصله بین طرفین و مخصوصاً اختلافات ناشی از تعبیر مدلول این امتیازنامه و حقوق و مسئولیت‌های مقرر در آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردی که به موجب این امتیازنامه محتاج به توافق نظر طرفین است به طریق حکمیت قطع و فصل خواهد شد.

ب- طرفی که تقاضای حکمیت می‌کند باید تقاضای خود را به طرف دیگر کتباً ابلاغ نماید. طرفین هر یک، یک حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع به حکمیت، یک حکم ثالثی انتخاب خواهند کرد. هرگاه حکمین نتوانند در ظرف دو ماه نسبت به تعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند، حکم مزبور را به تقاضای یکی از طرفین، رئیس دیوان داورى دائمی بین‌المللی تعیین خواهد نمود. چنانچه رئیس دیوان داورى دائمی بین‌المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزو (ج) حائز شرایط لازمه برای تعیین حکم ثالث نباشد حکم ثالث به وسیله نایب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد.

ج- حکم ثالث باید از ملت ایران یا انگلیس نباشد و به علاوه ارتباط نزدیک نیز نه با ایران و نه با انگلیس از حیث تعلق به یکی از مستملکات یا ممالک تحت‌الحمايه و یا مستعمرات و ممالک تحت قیمومیت و ممالکی که به وسیله یکی از مملکتین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در خدمت یکی از ممالک مزبوره بوده و یا می‌باشد نداشته باشد.

د- اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خود را معین نکرد و یا تعیین آن را به طرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داورى دائمی بین‌المللی (یا از نایب رئیس در موردی که مطابق قسمت اخیر جزو (ب) پیش‌بینی گردید) تقاضا نماید که یک حکم منفرد ذیصلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و در این صورت اختلاف موجود به وسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید.

ه- اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان داورى دائمی بین‌المللی معمول و مجری است.

وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد، حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزو (د)



## مصلحات نامی

معین خواهد کرد.

- و- حکم حکمیت مستند بر اصول قضایی مذکور در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان داوری دائمی بین‌المللی بوده و قابل تجدیدنظر نخواهد بود.
- ز- مخارج حکمیت به نحوی که در رأی حکمیت معین می‌شود تأدیه خواهد گردید.

### ماده بیست و سوم

I. از برای تصفیه کلی تمام دعوی گذشته دولت از هر قبیل تا تاریخ اجرای این قرارداد (به استثنای آنچه مربوط به مالیات‌های ایران است) کمپانی به شرح ذیل اقدام می‌کند:

الف- به فاصله سی روز از تاریخ مذکور مبلغ یک میلیون لیره استرلینگ (۱,۰۰۰,۰۰۰ لیره استرلینگ) خواهد پرداخت؟

ب- مبالغ لازم‌التأدیه به دولت را بابت عملکرد سنوات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ بر مبنای مذکوره در ماده ۱۰ این قرارداد نه مطابق اساس امتیاز داری پس از وضع دویست هزار لیره استرلینگ (۲۰۰,۰۰۰ لیره استرلینگ) که به رسم مساعده در ظرف سنه ۱۹۳۲ بابت حق‌الامتیاز پرداخته و یکصد و سیزده هزار و چهارصد و سه لیره و سه شیلینگ و ده پنس که به اختیار دولت قبلاً ودیعه گذارده شده تصفیه و تأدیه خواهد کرد.

II. در همان مدت مذکور در فوق در مقابل دعوی دولت بابت مالیات گذشته از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۳۲ کمپانی مبلغی بر حسب مبنای مذکور در جزو (الف) از بند I ماده ۱۱ محاسبه و بدون رعایت تضمین مذکور در جزو (ب) از بند مزبور به دولت تأدیه خواهد نمود.

### ماده بیست و چهارم

هرگاه به مناسبت الغای امتیاز داری نسبت به قراردادهای اجاره که قبل از اول دسامبر ۱۹۳۲ تا اندازه‌ای که امتیاز مزبور اجازه می‌داده است منعقد گردیده اختلافاتی بین کمپانی و افراد تولید گردد اختلافات مزبوره مطابق قواعد تفسیریه ذیل فیصله خواهد یافت:

الف- اگر قرارداد بر حسب مدلول خود در آخر امتیاز داری باید خاتمه بیابد تا تاریخ ۲۸ مه ۱۹۶۱ با وجود الغای امتیاز مزبور به اعتبار خود باقی خواهد ماند.

ب- هرگاه در قرارداد پیش‌بینی شده باشد که علاوه بر اعتبار آن در مدت امتیاز داری در صورت تجدید امتیاز قرارداد مزبور نیز تجدید می‌شود اعتبار آن تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ باقی خواهد ماند.

### ماده بیست و پنجم

در آخر هر سال مسیحی کمپانی حق خواهد داشت که این امتیاز را ترک نماید مشروط بر این که دو سال قبل از آن دولت را از نیت خود کتباً مطلع ساخته باشد. در خاتمه مدت فوق‌الذکر دارایی کمپانی در ایران (به طوری که در قسمت III ماده ۲۰ تصریح شده) مجاناً و بدون هیچ قیدی به طور سالم و قابل استفاده ملک دولت خواهد شد و کمپانی در آتیه از هرگونه تعهدی بری خواهد بود. چنانچه نسبت به تعهدات طرفین مربوط به قبل از انقضای مدت مذکور در فوق اختلافاتی حاصل شود به طریق حکمیت مذکور در ماده ۲۲ قطع و فصل خواهد شد.

### ماده بیست و ششم

این امتیاز برای مدتی که ابتدای آن از تاریخ اجرا و انتهای آن در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ خواهد بود به کمپانی اعطا می‌گردد. قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمی‌تواند خاتمه پیدا کند مگر در صورتی که کمپانی مطابق ماده ۲۵ آن را ترک کند و یا آنکه محکمه حکمیت بر اثر ارتکاب تخلفی از طرف کمپانی نسبت به اجرای مقررات این قرارداد<sup>۶۰</sup> ابطال آن را اعلام بدارد.

تخلف به معنی مذکور در فوق منحصر به موارد ذیل است:

الف- هرگاه مبلغی که بر حسب رأی محکمه حکمیت باید به دولت پرداخته شود تا یک ماه بعد از تاریخ صدور رأی تأدیه نگردد.

ب- هرگاه تصمیم بر انحلال اختیاری یا اجباری کمپانی گرفته شود. در مورد سایر تخلفاتی که نسبت به مقررات این قرارداد از هر یک از طرفین ناشی شود محکمه حکمیت درجه مسئولیت‌ها و اثرات مترتبه بر آن را تعیین خواهد نمود. هر نوع انتقال امتیاز مشروط به تصویب دولت خواهد بود.

### ماده بیست و هفتم

این قرارداد پس از تصویب مجلس و توشیح آن از طرف اعلیحضرت همایونی قابل اجرا می‌گردد. در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ این قرارداد در تهران منعقد گردید. این امتیاز که مشتمل بر بیست و هفت ماده است در جلسه هفتم خردادماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی، دادگر.<sup>۶۰</sup>

1- William Cleveland. A History of the Modern Middle East. Boulder, CO: Westview Press, 2004, PP.140-145.

راجع به داری نک:

Carment, David "D'Arcy, William Knox (1849-1917)", Australian Dictionary of Biography (entry). Australian National University, 2006, Retrieved on 2007.

Yergin Daniel, The Prize, The Epic Quest for Oil, Money, and Power, Pocket Books, 1991, P.148.

۲- محمدعلی موحد، نفت ما و مسایل حقوقی آن، تهران: خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۵۷، صص ۳۱ و ۳۲.  
۳- اما در این باره شرکت نه تنها به وظایف خود عمل نکرد بلکه موجب نارضایتی کارگران ایرانی کمپانی شده بود، در این باره نک: نفت در دوران رضاشاه، اسنادی از تجدیدنظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، گزارش محمدحسن بدیع به وزارت امور خارجه در خصوص شورش کارگران نفت آبادان به دلیل تبعیض میان آنها و کارگران هندی توسط شرکت نفت انگلیس و ایران، همچنین، مکاتبه ژاکس با وزارت دربار درخصوص دلیل اخراج کارگران مازاد شرکت نفت انگلیس و ایران و تحریکات بعمل آمده در این زمینه و تلگرافهای رمز واصله به وزارت پست و تلگراف و تلفن در خصوص علل و روند شورشهای کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران در آبادان و سرکوب آنها توسط نیروهای پلیس و مکاتبه محمدحسن بدیع با وزارت امور خارجه در خصوص اقدام کمپانی نفت جنوب در استخدام اتباع خارجه و اخراج کارگران ایرانی.

۴- موحد، همان، ص ۲۹ به بعد. همچنین: واسیلیف، آلکسی، مشعل‌های خلیج فارس، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، چاپخانه سپهر، چاپ اول ۱۳۵۸، صص ۱۷-۱۱.

۵- راجع به اوضاع آبادان در این مقطع نک: نفت در دوران رضاشاه، پیشین، تلگرافهای رمز واصله به وزارت پست و تلگراف و تلفن در خصوص علل و روند شورشهای کارگران شرکت نفت انگلیس و ایران در آبادان و سرکوب آنها توسط نیروهای پلیس، همچنین: همان، مکاتبات تیمورتاش با سر جان کدمن در مورد سفر وی به تهران جهت بررسی مشکلات امتیازنامه داری و ابراز رضایت از بازدید خود از تأسیسات شرکت در آبادان و مسجدسلیمان و مذاکره با سر روبرت کلاویو به منظور حل اختلافات موجود. همچنین همان، مکاتبه وزیر امور خارجه (محمدعلی فرزین) با وزارت دربار در خصوص مسافرت سر جان کدمن و همراهان به آبادان.

۶- نفت در دوره رضاشاه و قرارداد ۱۹۳۳، تهران، اداره کل آرشیو، اسناد و موزه، ۱۳۷۸، مکاتبه وزارت مالیه با وزارت دربار در خصوص آثار کاهش عواید شرکت نفت بر بودجه سلطنتی و جویبه وزارت دربار. همچنین: همان، خبر مندرج در روزنامه تایمز مالی در مورد افزایش سهام دولت انگلیس در کمپانی نفت جنوب طی سالهای ۲۹-۱۹۱۴.

7- Cabinet Minutes, CAB 23/72,62(32),23 November 1932 .

۸- بر طبق قرارداد جدید انگلستان و عراق در این سال، دولت عراق حق داشت تا یک حداقل دریافت سالانه را برای خود تضمین نماید، بنابراین، تحولات سالهای اخیر به خصوص در حوزه خلیج فارس در تصمیمات ایران بی‌تأثیر نبوده است. راجع به وضعیت قرارداد نفتی عراق در این زمان نک: لنجافسکی، جرج، نفت و دولت در خاورمیانه، ترجمه دکتر علی‌نقی عالیخانی، تهران، اقبال، بی‌تا، صص ۱۵۷-۱۵۴، ۳۴۵-۳۴۲.

۹- نفت در دوره رضاشاه، پیشین، نامه ارسالی سر جان کدمن به تیمورتاش در مورد اعزام نماینده انگلیس به ایران (هرن) جهت مذاکره و بررسی پاره‌ای از مسائل مورد اختلاف، همچنین: همان، مکاتبات مربوط به مذاکره با هرن (نماینده شرکت نفت انگلیس و ایران) در مورد مسائل مورد اختلاف دولت ایران و شرکت مذکور راجع به نحوه تجدیدنظر در امتیازنامه داری و همچنین: مکاتبات سر جان کدمن (مدیرکل و رئیس هیأت مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران) با تیمورتاش در مورد بررسی پیشنهاد وی راجع به تغییر بنیادی در مفاد امتیازنامه داری از طریق مذاکره و مسئله سهام و حق‌الامتياز ایران. همچنین:

Houshang Sabahi, British Policy in Persia 1918-1925. London, Frank Cass & Company Limited, 1990, Pp. 10-15. Simon, British Foreign Minister (1935-51), to the League Council, 26 January 1933 , League of

nations Official Journal (LNOJ), 1933, 200.

۱۰- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفوی تا جنگ جهانی دوم، ج ۱، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵، صص ۳۸۹-۳۸۸.  
۱۱- همان، ص ۳۸۸.

12- T.L.Jakes.

۱۳- نفت در دوره رضاشاه، پیشین، یادداشت تیمورتاش به وزارت مالیه در خصوص مکاتبه آن وزارتخانه با کمپانی نفت جنوب راجع به عدم تأمین منافع ایران در امتیاز داری و اعلان الغای آن امتیاز و همچنین مکاتبه وزارت مالیه با شرکت نفت انگلیس و ایران در خصوص تصمیم دولت ایران به الغای امتیاز داری.  
Sir R.H.Hoare, British Minister in Teheran, to Simon, 28 November 1932, FO371/16078.E.6247/38809(34).  
Public Record Office (PRO).

۱۴- وثوقی، محمدباقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران، سمت، ۱۳۸۴، صص ۵۰۸-۴۷۵.  
15- Sir J Cadman.

16- Sir J Cadman, Managing Director of APOC(1927-34), to Foreign Office, 19 October 1932. Fo 371/16078. E. 5508/34 (32).

17- Sir I. Oliphant.

18- Minute, Rendel, Head of the Eastern Dept., 29 November 1932, FO 371/16078.E.6257/3880/34(32).

همچنین نک: ابوالفضل لسانی، طلای سیاه یا بلای ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، صص ۱۳۷-۱۳۶.

19- Minute, W.E.Beccket, Second Legal Advisor, 29 November 1932, FO 371/16078. E. 6257/3880/34(32).  
Enclausor memorandum, dated 6 December 1932. Minute, D.L.Lascelles, Second Secretary in the Eastern Dept., 29 November 1932, FO 371/16078. E.6274/3880/34(32).

۲۰- ماسلی، لئونارد، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، رسام، ۱۳۶۵، صص ۱۶۱-۱۵۷.

FO371/16078.E.6387/3880/34(32). Hoare to Simon, 5 December 1932.

21- Ibid, Minute, Beckett, 5 December 1932.

22- Eden.

23- FO371/16078.E.6489/3880/34 (32). Minute, Rendell, 15 December 1932.

24- Ibid, Memorandum, T. W.H. Inskip and F. B. Heriman, Law Officers of the Crown, 7 December 1932

25- Minutes, dated 8 December 1932. FO, FO371/16079.E.6490/3880/34 (32)

۲۶- این جزیره از دیدگاه انگلستان بهترین وضعیت برای استقرار یک پایگاه نیروی دریایی و حتی عملیات نظامی علیه ایران را دارا بود. در این مقطع انگلستان تلاش می‌کرد تا به هر طریق ممکن این جزیره را از سرزمین اصلی ایران جدا نموده و آن را به شیخ کویت یا محمره بدهد.

27- FO371/16078.E.6361/3880/34 (32), Minute, Rendell, 10 December 1932.

28- Ibid, CP.no.430 (32) by Chief, 12 December 1932.

29- Ibid, Hoare to Foreign Office, 12 December 1932.

30- Ibid, Minute, Rendell, 13 December 1932.

31- Ibid, 14 December 1932.

32- Ibid, Memorandum, Malkin, 15 December 1932, Vansittart to Horace 17 December 1932.

33- Sin Lester.

34- FO, Op. cit, Letter to Foreign Office, 18 December 1932.

۳۵- در این باره، نک: فرشادگهر، ناصر، سیری در قراردادهای نفتی ایران، تهران، پژوهشکده امور اقتصادی، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۴۹-۴۱. همچنین:

H.Patteson, British Consul in Genova, to Simon, 19 December 1932.

36- Malkin.

37- LNOJ, 1933, P.198-208. Sir J. Rendel, The Sword And the Olive, London, 1957, pp.80-81.

۳۸- راجع به جریان داوری‌ها، نک: موحد، محمدعلی، درسهایی از داوریهای نفتی، جلد اول، تهران، دفتر خدمات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴، صص ۳۲-۲۶.

39- Interprice.

40- Emerald

41- FO371/16933 .E . 17/17/34(33). Admiralty to C.in C.of the E.India Squadron, 30 December 1932 .

۴۲- موحد، پیشین، ص ۲۱.

FO., op.cit, Cabinet Minutes, CAB 23/75, 1 (33), 19 January 1933, Caldron to Simon, 21 April 1933, Minute, Rendel, FO371/16079.E.6607/3880/34(32) 24 April 1933, Ibid, Minute, Rendel, 1 may 1933 .

43- Benesh

۴۴- کاتوزیان، محمدعلی همایون، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)، ترجمه کامبیز عزیزی و محمدرضا نفیسی، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۶۱، صص ۲۰۱-۱۸۲، موحد، پیشین، ص ۲۵.

۴۵- همان، ص ۳۰.

۴۶- راجع به نظرات سیمون، نک: فرشادگهر، پیشین، صص ۱۱۹-۱۰۹.

۴۷- موحد، درسهایی از داوری‌های نفتی، ص ۲۸.

48- FO 371/16935.E.645/17/34(33). Eden to Simon, 31 January 1933 Rendel to C. E. A. Wamer, First Secretary in the Edept, 3 February 1933 .

۴۹- نک: نفت در دوران رضاشاه، پیشین، نامه تیمورتاش به سر جان کدمن در مورد موافقت رضاشاه با نتایج مذاکرات بعمل آمده بین طرفین در لندن، مخصوصاً اعطای ۲۵٪ سهام شرکت نفت انگلیس و ایران به ایران، همچنین: مکاتبات مربوط به مذاکره با هرل (نماینده شرکت نفت انگلیس و ایران) در مورد مسائل مورد اختلاف دولت ایران و شرکت مذکور راجع به نحوه تجدیدنظر در امتیازنامه داری و همچنین: مکاتبه میرزاعیسی‌خان فیض با تیمورتاش در خصوص ملاقات با سر جان کدمن و نتایج مذاکرات بعمل آمده با وی، به انضمام مکاتبه صورت گرفته در این زمینه و اظهارنظر سیدحسین تقی‌زاده در مورد تجدید امتیازنامه داری و درخواست مشخص شدن نقش وی در مذاکرات نفت.

50- FO 371/16937.E.1637/17/34(33), Minute, Rendel, 2 April 1933.

۵۱- در این جریان حتی سفرا و نمایندگان سیاسی ایران در کشورهای اروپایی نیز به مخالفین پیوستند که خود موجب شرایطی جدید می‌شد. برای مثال نک: نفت در دوران رضاشاه، پیشین، مکاتبه سفیر ایران در فرانسه (حسین علاء) با تیمورتاش در خصوص مخالفت با تمدید امتیازنامه داری با توجه به نظر متخصصین امر در این زمینه

52- FO.Op.cit, 24 April 1933.

۵۳- فرشاد گهر، پیشین، ص ۱۰۹.

۵۴- اسناد نفت، ۱۳۳۰، صص ۲۳-۱۰.

۵۵- همان، صص ۱۱۶-۱۱۳.

56- FO.371/16938.E.2259/17/34(33). Minute, Rendell, 1 may 1933.

57- H.Patteson, British Consul in Genova, to Simon, 19 December 1932 . FO371/16080 .E.66745/3880 /34(32). Mansard , Vol.274, 7 February 1933 , CC 24-25; 8 February 1933 , CC 185-186, 14 February 1933.

۵۸- در آغاز وزارت خارجه و وزارت هند خواهان بررسی سریع موضوع بودند. اما کابینه که از واقعیت امر آگاه نبود کمیته‌ای را مأمور بررسی بیشتر موضوع کرد. خزانه‌داری انگلستان نیز که بیش از کابینه از واقعیت مسئله کمپانی آگاهی نداشت، از آن می‌خواست که ارجاع مسئله به یک دادگاه بین‌المللی را با هزینه خود دنبال کند. اما پس از انتشار تحقیقات و توضیحات وزارت خارجه، خزانه‌داری بیش از وزارت خارجه خواهان رسیدگی دولت به مسئله

کمپانی بود.

۵۹- همراهی دیگر اعضای مجمع با سیاست‌های این کشور، به خصوص فرانسه و ایتالیا و اعلام این دو کشور در حمایت از انگلستان در مسئله کمپانی شرکت نفت انگلیس و ایران موجب تقویت سیاست انگلستان در مجمع شد. راجع به مناسبات سیاسی و اقتصادی دولت‌های اروپایی با ایران و تأثیر این روابط بر روابط ایران و انگلستان نک: عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۲. راجع به روابط مناسبات سیاسی حاکم بر اروپا طی این دوره نک: روزول پالمر، تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰.

.FO371/16935.E.708/17/34(33), Sir R. Graham British ambassador in Paris, 25 January 1933.

